

# اگر متحد باشیم و انقلابی عمل کنیم، پیروزی ما بر شیطان بزرگ-امریکا

## حتمی است

سازند و سلطه مجدد خود را بر مین ما برقرار کنند. همه فشار هائی که بر ما وارد میشود، هدفی جز این ندارد.

ما اگر به آزادی و استقلال خود پناه نیاوریم و سرفراز پای بندیم، باید برای ایستادگی در برابر این فشارها آماده شویم و تمام نیروهای خود را برای پیروزی در این نبرد مرگ و زندگی بسیج کنیم.

چنگ ما بر ضد امپریالیسم جنکی عادلانه بقیه در صفحه ۲

ما با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکادرنجیم، جنگی که آنان بما تحمیل کرده اند، ما از خانه و کاشانه و هستی خود دفاع میکنیم. ما که یک انقلاب خونین را پشت سر گذارده ایم، میخواهیم از ثمرات این انقلاب بهره مند شویم. امپریالیستهای امریکائی و متحدان و دستیاران آنها میخواهند انقلاب ما را با شکست مواجه

# خطر امریکا

باقی است  
فوری است  
جدی است

ما قیلا گفتیم و بازم میگویم که خطر تجاوز مجدد نظامی امریکا همچنان استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و موجودیت انقلاب ما را تهدید می کند. اخبار رسیده از امپریالیستها این واقعیت را بازم تأیید می کند:

لندن - آسوشیتد پرس - سائیروس ونس وزیر امور خارجه بر کناره رفته امریکا دیروز بدستیاران خود در وزارت امور خارجه گفت که میترسد کار ترسهای نظامی تازه و خطر ناکی در منطقه خلیج فارس و بخصوص ایران داشته باشد. ونس همچنین گفته است که عملیات دریایی امریکا در منطقه خلیج فارس، برخلاف آنچه برزیسکی مشاور امنیتی کادتر گفته، مهمتر از آن است که فقط در مرحله حرف بماند و او میترسد که کادتر به اقدامهای نظامی و خطرناکی علیه ایران دست بزند.

جرمی کمپبل، مخبر روزنامه انگلیسی ایونینگ استاندارد در واشنگتن، که منبع گزارش خود را اشفا نکرده است، مینویسد:

سائیروس ونس گفته است یکی از دلایل استغناش به این امید برده است که کادتر گریزی وی مانع عملیات نظامی علیه ایران شود (اطلاعات، ۵۹۲۱۰)

بر اساس گزارش مقامات رسمی و نظامی امریکا: امریکا تجهیزات وسیع نظامی خود را آماده حمل به اقیانوس هند کرد. تنها بخشی از تجهیزات نظامی امریکا برای ۱۲ هزار تنفسدار کافی است. ۳۰۰ نفر از افراد نیروی دریایی امریکاسرگرم آماده کردن تانک، جیب و تسلیحات ضد تانک و سلاحهای دیگر برای حمل به اقیانوس هند هستند. (پامداد، ۵۹۲۱۰)

فرمانده عملیات تجاوز نظامی امریکا به ایران احتمال تکرار عملیات را تأیید کرد.

آسوشیتد پرس به نقل از ساموئل استراتون، یکی از افراد شرکت کننده در جلسه ستا، پس از سه ساعت مذاکره پشت درهای بسته گزارش داد، یک دیت (فرمانده عملیات) به اعضای کمیته گفته است اگر ما بدانیم که گروگان ها اکنون در چه جایشائی قرار دارند، دوباره به ایران رفته و عملیات را تکرار خواهیم کرد. (کیهان، ۵۹۲۱۶)

یاسر عرفات در مورد تجاوز امریکا به ایسرائ هشدار داد:

الان خطر هولناک دیگری انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین را تهدید میکند و آن تجمع نیروهای ضربه امریکا در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس است. باید همه ما نیروهای خود را علیه امپریالیست جهانوار امریکا و امپریالیسم بسیج کنیم. (کیهان، ۵۹۲۱۶)

امریکا در تدارک در زمین تجاوز به ایران است:

آسوشیتد پرس - واشنگتن - شبکه خبری امریکائی (ا.بی.سی) دیروز گزارش داد که بنامه یک هفته پس از نخستین تجاوز نا کام امریکا به ایران، کادتر به پنا گون وزارت دفاع امریک دستور داده است تا طرحهای تازمائی را برای دومین حمله (تحت عنوان نجات گروگانهای امریکائی) تدارک کند. (کیهان، ۵۹۲۱۸)

## دوستان انقلاب ایران، ایران را تنها نمیگذارند

وزیر خارجه کوبا گفت که مردم ایران باید اطمینان داشته باشند که در راه هدف خود و در راه مبارزه با امپریالیسم تنها نیستند و همواره از حمایت معنوی و در صورت لزوم مادی کوبا برخوردارند.

در بی پیام آقای بنی صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران به فیصل کائورو، رئیس دولت کوبا و رئیس کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتحد، مبنی بر فراخوانی کنفرانس فوق العاده این

## در صفحات بعد

## برای آب خوردن هم باید زجر کشید!

گزارشی از دکانی موفیطه، یکی از محلات فقردرهمپاد

## سی و پنجمین سالگرد آزادی چکسلواکی از اسارت فاشیسم

ساواکی ها به کار باز میگردند...!

## هشدار به دهقانان

هر خوشه ای که در پرتو آفتاب انقلاب بنمست دهقان و در زمین دهقان میروید، ضریبهای است بر پیکر امپریالیسم و وابستگان آن

مسائل دهقانی - صفحه ۵

## باند های سیاه را افشا و طرد کنید!

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان خواستار مقابله با گروهکهای ضد انقلابی شد

نادیده گرفتن گروه های فشار به منزله رشد دشمنان بی مخ، هاست

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده بقیه در صفحه ۷

## در عراق هواداران سوسیالیسم علمی و مسلمانان مبارز متحداً علیه رژیم بعثی مبارزه میکنند

یکی از دلایل عمده سیاست های خائنه ای که رژیم بعثی عراق، بعد از کودتای سال گذشته، که به برکناری البکر و اعدام عده ای از اعضای رهبری حزب بعث منجر شد، در نقاب خلق های کشور خود و مجموعه جنبش ضد امپریالیستی خلق های عرب و منطقه، از جمله خلق ایران، در پیش گرفته

نامه ک مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۳۰  
شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۵۰۰

# آمریکائی ها دوباره کی می آیند؟

اگر ازمه اکنون ستون پنجم آنها سر کوب نشود سر نوشت انقلاب ایران چه خواهد شد؟

ولهیکوتیرها... پیاده شدند... آن ها در جاده یزدتسلس راه را بر ساطق تلبه بستند و از مسافران این وساطت توسط چند ایرانی که این آنان بود سوالانی به عمل آوردند... نظامیان امریکائی در نظر داشتند تعدادی از مسافران را... به عنوان گروگان با خود به هواپیماها و لهیکوتیرها ببرند...

حمله به اتوبوسهای ایرانی در ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه پامداد پیشینه صورت می گیرد و چندین مسافر ایرانی توسط این امریکائی ها برای انجام اقدامات بعدی به گروگان گرفته میشوند. روشن است که نقشه این کار از قبل چیده شده و قرار بر این بوده است که «ولهیکوتیرها» کماندوهای امریکائی را با پناهای اطراف تهران بیاورند، که آنها... در محلی که از قبل برای آنها آماده شده بود، مخفی (۱۰ اردیبهشت - جمهوری اسلامی) شوند.

لذا امریکائیها به کمک عوامل خود در ایران، از قبل تدارکات مختلفی را چیده بردند، دس چهارشنبه سوم اردیبهشت ساعت ۵ بعد از ظهر (قبل از فرود هواپیماها) که از تهران به قم باز می گشت، در جاده قم پاتوپ های ضد هوایی که ظاهراً از پادگان منظره خارج شده و به سوی تهران حرکت داده شده بود، مواجه شد... (۱۰ اردیبهشت - جمهوری اسلامی) از مساحه حیطه اسلام خسرو شاه (دورستل دفاع ضد هوایی مشهد چند روز قبل (قبل از فرود هواپیماها) به مرضی فرستاده میشوند؛ (مجاهد - شماره ۵۵)

انبار بزرگی که در جنوب تهران قرار دارد، توسط عمال امریکائیها خریداری میشود. (روزنامه ها) بقیه در صفحه ۲

نیات جان گروگانها شکست خورد. روز بعد در روزنامهها خوانند که: - عملیات نظامی فوق محرمانه امریکا در ایران شکست خورد. (اطلاعات) - حداقل ۸ نظامی امریکائی در این عملیات کشته شدند. (همان روزنامه) - در این حمله دو هواپیمای سی-۱۳۰ نابود شدند.

این حملات بار خطر بزرگی را بردوش داشتند، حمله نظامی امریکا لیکن با خود هر اس نمی آوردند، زیرا مردم می دانستند که امپریالیسم زخ خوده امریکائی برای جبران شکست های خود در ایران به هر جنایتی دست می زند. اما آنچه مردم را به فکر و امید داشت و حتی تکران میکرد، این بود که وقتی سبب تسبیح علیه امریکائی قطع نمی شود، وقتی امام خمینی، رهبر انقلاب، و آقای بنی صدر، رئیس جمهوری، مرتب تکرار می کنند که امریکادرسدش به زندان است... چرا و چگونه امریکائیها به تلب کشور ما می آیند، دست به عملیات مختلفی می زنند، گروگان گیری می کنند و مردم می روند... تا تدارک جنایت بعدی را ببینند!

این هواپیماها (حدود ده فروند هواپیما و لهیکوتیر) روز چهارشنبه وارد ایران می شوند و ورود آنها توسط... یک پاساگه مرزی... گزارش می شود، ولی ترتیب اثری داده نمی شود... (۱۴ اردیبهشت، اطلاعات - از بیسیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) آن ها دشمنانکاه پنجشنبه در ۴۸ کیلومتری پاساگه رباط خان پس در مسیر جاده طیس-یزد فرود آمدند و تعدادی نظامی که معلوم نبود متعلق به کدام کشور خارجی هستند از هواپیماها

کوشش امریکا برای کودتا در ایران شکست خورد. کوششی که بر اساس شواهد گوناگون تاریخی و بموجوب آنچه سخنگویان امپریالیسم جهانی هم اینک درک و راسته می گویند، باز هم از سر گرفته خواهد شد. و این بار طبعاً دقیق تر و آگاه تر رهبران و مبارزان نیایش ستیجنا کاری تر پس روشن کردن چگونگی این حمله و شناسایی و شناساندن امکانات فنی و انسانی امریکائی جهان شوار در ایران، در حال حاضر از ضروری ترین وظایف مسئولین جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مترقی و انقلابی است.

مامی کوشیم خطوط اصلی این حمله را در کنار هم بگذاریم و نقشه امپریالیست های امریکائی را برای تکرار ۲۸ مرداد در ایران روشن کنیم. در این رابطه نکات مهمی وجود دارد، که بدون شک مسئولین امور و دست اندر کاران جمهوری اسلامی ایران می توانند و باید آنها را روشن کنند. نه به خاطر آنکه تنها توطئه ای را روشن کرده باشند، بل به خاطر آنکه جهانیان بدانند، امریکائیها بدانند که دیگر دوران بردن و آوردن و یکتا توراها، پینوشها، محمد رضاها، شاهالحمیها و... گذشته است. اما نقشه حمله نظامی امریکابه ایران چگونه بود؟ مردم ایران ظهر روز جمعه ۵ اردیبهشت از رادیو شنیدند که: - عملیات نظامی امریکا در ایران برای

## انتخابات مرحله دوم مجلس شورای ملی برگزار شد

دکتر کاظم سامی گومانی مسعود رجوی سید محمد کاظم موسوی بجنوردی

که به مرحله دوم انتخابات راه یافته بودند، رای دادند. به پیروی از همین سیاست اصولی، دیگر اعضای هواداران حزب توده ایران در شهرستانهای مختلف، رای خود را در جهت پشتیبانی از نامزدهای شایسته و مورد نظر سازمان های حزبی در محل، به مسئولان رای دادند.

میلونها نفر از مردم ایران دیروز به پای صندوق های رای رفتند و برای مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی، کاندیداهای مورد نظر خود را انتخاب کردند. صبح دیروز فردالدین کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، و دیگر اعضا رهبری و نیز کلبه اعضاء هواداران حزب توده ایران، به پیروی از سیاست اصولی حزب، در مورد پشتیبانی از نیروهای مترقی و انقلابی، به پای صندوق های رای رفتند و به استاز کاندیداهای تهران پناجایی

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم



□ ۲۰۰۰ ساکن «کافی صوفی طه» هیچ چیز ندارند، غیر از یک چشمه.  
□ اگر کسی مریض شود، او را کول میکنند و از کوه پالین میبرند، تا به دکتر برسانند.



تنها دارایی ۲۰۰۰ ساکن «کافی صوفی طه» چشمه‌ای است با فاصله دو کیلومتر از محله

## محلات فقر

### دیداری از محله «کافی صوفی طه» در مهاباد

# برای آب خوردن هم باید زجر کشید...

تا کسی در میان این مردم نباشد، احساس فقر، کمبود و تبمیش را بخوبی نمی‌فهمد. یازدهم محله فقر به راه می‌افتیم، در گوشه‌ای با سرد میان‌سالی صحبت میکنیم. او می‌گوید: «اسمم جعفر است. من در ده «حاجی‌مامیان» قهوه‌خانه‌ای داشتم که در زمان طاغوت قهوه‌خانه‌ام را به بهانه جاده‌کشی، دولت خراب کرد و اکنون مدت‌ها است که بیکارم و در وضع فلاکت باری زندگی می‌کنم.

غیر از چشمه پالین، نه آب داریم، نه برقی، نه دیگر وسائل زندگی.»

او از تاریخچه این محل می‌گوید:

«محله کافی صوفی طه در حدود سال ۱۳۳۲ ساخته شد و هر کس چیزی نداشت، اینجا سرپناهی برای خود ساخت. ما از امام خمینی رهبر انقلاب و دولت می‌خواهیم به وضع ما هم رسیدگی کنند و ما را از این زندگی شبه‌حیوانی نجات دهند.»

آفتاب کم‌کم در پشت ابرها پنهان می‌شود. ما همه آمده‌ایم به پالین می‌آئیم. در جلوی یکی از خانه‌های کوچک محله ایستاده‌ایم. پیرمرد صاحب دکان خود را گریه رشیدی معرفی می‌کند. او می‌گوید:

«من نه روغن دارم، نه برنج و نه دیگر مایحتاج ضروری مردم.»

دکان محقرش حکایت از تهیدستی اومی کند. مقداری بیسکویت، آدامس و اجناس اندک دیگر در گوشه دکان به چشم می‌خورد. او می‌گوید:

«ما از دولت خواستار رسیدگی به وضع خود هستیم. چندی قبل ما به فرمانداری رفتیم و از فرماندار تقاضای رسیدگی به وضع خود را داشتیم، که آنها به ما جواب ندادند و گفتند که به مرکز مربوط است و خلاصه ما را سردوآیندند.»

درد و کلافه بسیار است و وقت کم، محله «کافی صوفی طه» را پشت سر می‌گذاریم. این کوخ‌نشینان خواستار رسیدگی به وضع ناخوارشان هستند این کوخ‌نشینان، که امام درباره آنها می‌گوید:

«این کوخ‌نشینان بودند که انقلاب کردند، نه کاخ‌نشینان.»

جدا خواستار رسیدگی به این زندگی شبه‌حیوانی خود هستند. این خواست توده محرومی است که رژیم چناینگار پهلوی آنان را مجبور به این زندگی کرده است. این خواست مردم از انقلاب است.



سرمایه‌داران نام اینجا را گذاشته‌اند «خانه»!

«با پیروزی انقلاب، ما زحمتکشان و محرومان امیدواریم به حقوق خود برسیم و از این زندگی فلاکت‌بار رهایی یابیم.»

او ادامه می‌دهد:

«بچه‌ها اینجا هیچ جایی برای بازی و تفریح ندارند و در زباله‌ها و خاک‌روبه‌ها به وقت گذرانی می‌پردازند. در کنار خانه‌ای که کنار قاضلاب قرار دارد، زنی ایستاده است. با خوشروئی ما را به خودکلیه، که آکنده از بوی قاضلاب است، دعوت می‌کند. خود را رقیه معرفی می‌کند و به ما می‌گوید:

«شوهرم کارگر ساختمانی است و اهل ده «کیت‌که» هستم. ۶ فرزند دارم. ما برای آوردن آب مجبوریم راه زیادی برویم. اینجا نه بهداشتی است، نه خیابانی، نه برقی، انگار ما فراموش شده‌ایم. اگر یکی از بچه‌های ما مریض شود، مجبوریم آنرا کول کنیم و از کوه پالین ببریم و به دکتر برسانیم. وای به حال ما، وقتی که باران بیاید، موقع بارندگی تمام سقف ما چکه می‌کند. خانه ما از آجر خام ساخته شده و با اولین باران تمام خیس و نم‌دار می‌شود.»

از آلونک این زن رنجیده و مظلوم بیرون می‌آیم

چون هیچ چیز نداریم. هفت فرزند دارم، که دوسر و شوهرم هر سه کارگر ساختمانی هستند. ما اینجا مجبوریم برای آوردن آب صدها متر راه طی کنیم و ساعتها معطل شویم، تا چند سطل آب بدست آوریم. از داشتن برق هم محرومیم. در اینجا پزشکی هم وجود ندارد، در موقع بیماری مجبوریم پای پیاده از کوه پالین برویم و مریض را به هر زحمتی است به بیمارستان و دکتر برسانیم. ما از امام و دولت می‌خواهیم که به این وضع فلاکت‌بار ما پایان داده شود.»

### بازی در خاک‌روبه‌ها

پیر مردی رنجور، که چهره تکیده‌اش حکایت از ناملایمات زندگی دارد، آرام به ما نزدیک میشود. نفسی تازه می‌کند و می‌گوید: «قبلا در ده «خانگی» بوده‌ام. اسمم عبدالله است و از سه سال قبل به اینجا آمده‌ام. در زمان طاغوت ۱۲ روز ما به خاطر هیچ و بوج در ساواک مهاباد و ارومیه بازداشت گردید.»

سیکاری روشن میکند، به دوردست‌ها چشم می‌دوزد و ادامه می‌دهد:

«کافی صوفی طه» یکی از محلات بزرگ و فقیرنشین مهاباد است، که بر بلندی‌های کوه، در جنوب شرقی مهاباد جای دارد و نزدیک به ۲۰۰۰ خانواده در آن ساکن هستند. اهالی این محله نه آب دارند، نه برق، نه پزشک و نه حمام. آنها از هر گونه امکانات رفاهی محرومند، کوفی این مستضعفان، که در پیروزی انقلاب شکوهمند خلق ماسهم بوده‌اند، فراموش شده‌اند.

اهالی «کافی صوفی طه» عموماً کارگران ضلسی ساختمانی و روستائیان هستند که به علت بیکاری و فقر، که محصول طرح‌های ضدفقاری رژیم منقریهلوی است، آورده شهرها شده‌اند.

به میان محله «کافی صوفی طه» می‌رویم. بر پشت کوه بی‌نوله‌ای بنام خانه پشت سرهم ردیف شده‌اند. اینجا یکی از محلات بزرگ و فقیرنشین مهاباد است. بوی فقر از همه جا به مشام می‌رسد. گرسنگی و بیکاری چهره‌ها را به خود راه می‌دهد. بیشتر نشان میدهد. در گوشه و کنار، کودکان با چهره‌های شکم‌پا نگاه‌های معصوم، که حکایت از تلخی زندگی دارد، به بازی در میان زباله‌ها و پهن مشغولند.

بازنی که مشغول بردن آب است، به صحبت می‌پردازیم. چهره‌اش زیر بار فقر و رنج و پستی چروکیده و درهم شده است. اسم او عایشه مرادی است. می‌گوید که بعد از جنگ تقه به اینجا آمده‌است. ۷ فرزند دارد و بیوه است. می‌گوید که مجبور است برای پر کردن شکم فرزندانش در منزل دیگران کار کند. آهی عمیق می‌کشد، چهره پرچین‌درهم می‌رود و چنین ادامه می‌دهد:

«ما اینجا هیچ چیز نداریم، نه آب، نه برق، برای آوردن آب چند صد متر پیاده می‌رویم. تا چند سطل آب بیاوریم. کوچه‌های محله در موقع بارندگی غیر قابل عبور می‌شوند. بوی گند فاضلاب خانه‌ها را پر کرده است. شمارا به خدا فریاد مارا به گوش مقامات برسانید آخر ما هم انسانیم و حق زندگی داریم.»

پسر بچه‌ای با لباس‌های مندرس به ما نزدیک می‌شود. اسمش رحیم است. می‌گوید:

«بنویسید ما از بی‌پولی مجبور شده‌ایم در این بالای کوه زندگی کنیم. بنویسید مسا اینجا هیچ چیز نداریم. پدرم یک کارگر است که در شهر کار می‌کند. از اوضاع مدرسه می‌گوید: «وضع مادر مدرسه هم بد است. میز و نیمکت و وسائل درسی نداریم.»

به دیدار محله ادامه می‌دهیم. مشاهده وضع نااسامان این مردم قلبان را می‌شکند. زنی پیر با صورتی آبله‌دار ما را به آلونک خود دعوت می‌کند. او می‌گوید:

«بیا بید نگاه کنید و بنویسید تا همه بدانند که ما در کجا زندگی می‌کنیم.»

او ادامه می‌دهد:

«اسم خدیجه است و از روستای «حاجی‌دره» به اینجا آمده‌ایم. البته مجبور بودیم که به اینجا بیاییم،

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

زحمتکشانی که در شرایط قرون وسطایی تولید میکنند و...

زندگی شان مردن تدریجی است!



در کردگرد منهد، بفاصله چند کیلومتر از شهر، به زمینهای برمی خورید که در نگاه اول چنین می آید که توسط حیوان عظیم الجثه زمینخواری قسمتهای آن را پلمیده شده است.

در این مناطق کودلهایی به عمق ۳ تا ۲ متر، در مساحتی چند ده متری، به چشم می خورد. نزدیکتر می شوید، از حیوان عظیم الجثه خبری نیست، انسانی شکسته، سوخته از آفتاب و سرما، پاتنی رنجور و لباسی مندرس و سیاه پیل می زند. آری، اینجا کوره گچی پزی است. گچ در این مناطق در عمق بسیار کم، حدود ۲ متر، توأم با خاک وجود دارد. کار بدین شکل است...



شاید فرجی شود. شوید و شرکت تعاونی درست کنید، خودتان می توانید که رادر شهر بفروشید دست واسطه ها را قطع کنید. آنگاه خوشحال می شود که فوراً آدرس خانه اش را می دهد که نزدش برود و دنبال اینکار را بگیریم...

صد متر بالاتر بایستی دیگر صحبت میکنم. خوشی را عباس معرفی میکند. از نظر وضع، از اولی هم بدتر است. می گوید: «۱۵ سال است که در این کارم، ماهی ۱۰۰۰ تومان هم بزور در می آورم. زخم زوری ۲۰ تومان کار میکند. اگر او کار نکند، زندگی مانعی جز خرد، دو ماه است که گوشت تنوردمام، غذای ما شده اشکنه، از وضع مسکن اومی پرسم. میگوید...

کوره ها ۲ تا ۳ نفر کار میکنند و انت بارها گچ را در کوره می خردند و توسط اشخاصی که در شهر با موتور محل فروش برای آن پیدا میکنند، خرواری ۳۵ تومان بفروش می رسانند. برای هر محفل فروشی که شخص موتوری پیدا کند، ۲۰ تومان می گیرد. آری زنجیره جالب و عجیبی است. از واسطه های شکم گنده خبری نیست. صاحب وانت باری می گفت:

«پاهن از قرض و بدبختی این وانت را خریدم و در این جاده های خراب هفته ای نیست که عیبی پیدا نکند و خرجی روی دست ما نگذارد. زمینهایی که گچ در آن وجود دارد، یا از آن آستان قدس رضوی است و یا خصوصی است. آستانها بتا جاده چیزی دریافت نمی دارد. اما صاحبان زمینهای شخصی، متری ۲ تا ۳ تومان زمینها را اجاره میدهند. از چنین کار سخت و طاقت فرسای حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ خانوار امرار معاش میکنند. آیا نمیتوان با امالی کردن معادن و استخدام همین زحمتکشان بصورت کارگردان، قسمی در راه راه و سدادت این زحمتکشان برداشت؟ آیا دولت نباید در فکر ایجاد کارهای تولیدی برای دسته دوم و سوم این زنجیره قتل باشد؟»

میهدا به تنندی جواب می دهد، «نه آقای». همین الان اگر کار تاپتی پیدا شود، که روزی ۶۰، ۷۰ تومانی داشته باشد، این کار را رها می کنم. وقتی فکر می کنم که چندسال دیگر قدرت و توانایی خود را از دست میدهم، پشتم تیر می کشد. آره کار تاپت خوب است، حداقل باز نشتگی، بیمه که دارد، زخم می ریزد است. هر چه درمی آورم، باید خرج دوا و دکتر او بکنم. از انقلاب و انتظارات او از انقلاب می پرسم. می گوید:

«قبل از انقلاب، صحبت از خوب شدن وضع ما بدبختها بود. ولی هنوز ما که چیزی ننهیدیم ایبه. از واسطه ها می نالد، می گوید: «ما عرق می ریزیم، گچ در می آوریم، پخته می کنیم. آنوقت به خاطر نداشتن وسیله، آنرا از ما سر کوره خرواری ۱۰ تا ۱۶ تومان می خردند و در شهر خرواری ۳۵ تومان می فروشند.» صحبت از این می کنم که اگر دولت کمک کند و شاد و دردم جمع



اخبار کارگری

خواسته های حقه کارگران کوره پز خانه های خاتون آباد باید هر چه زودتر مورد توجه قرار گیرد

سندیکای کارگران کوره پزخانه های ناحیه خاتون آباد، طی نامه ای خطاب به وزارت کار و امور اجتماعی، که رونوشت آن به جراید و از جمله به نامه «مردم» ارسال شده، مشکلات و خواسته های حقه خود را مطرح کرده و از مقامات مسئول مملکتی خواستار رسیدگی فوری شده است.

درد این نامه میخوانیم: «بقر ا اطلاع، سندیکای صنف فخاران از ابتدای سال جاری نرخ آجر را از قرقر هر تن ۱۴۰۰ ریال به ۱۸۰۰ ریال افزایش داده است، یعنی ۳۰ درصد به نرخهای سال گذشته افزوده است. از آنجا که طبق توافق مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۳ بین کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد و اتحادیه صنف فخار، قرار بود که نرخ آجر هر تن ۱۴۰۰ ریال ثابت بماند، افزایش نرخ آجر بدون مشورت با کارگران بوده است. از طرف دیگر از سال گذشته تا به حال، نرخ اجناس ضروری و مایحتاج غذایی بطور سرسام آوری افزایش یافته است. ما کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد خواستار اجرای موارد زیر از طرف کارفرمایان هستیم:

- ۱- افزایش دستمزد به میزان ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته،
۲- پرداخت حق مسکن بر طبق موازین قانونی، که تا به حال به هیچیک از کارگران تعلق نگرفته،
۳- اجرای موافقتنامه مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۳، که با توافق کارگران کوره پزخانه های منطقه خاتون آباد و محمود آباد و محرم حاجی مهدی عراقی، رئیس سابق اتحادیه صنف فخار، و آقای قائمی عضو هیئت مدیره و تعدادی از کارفرمایان در مسجد خاتون آباد انجام گرفته،

الف- احداث و ایجاد فروشگاههای تعاونی کارگری در منطقه، ب- تهیه وسایل اسعظافی برای کارگران از قبیل دستکش و چکمه با توجه به نوع کار، ج- کارفرمایان موظف هستند نسبت به احداث حمام، اطاق ناهارخوری و وسایل بهداشتی و توالت کارگران اقدام نمایند. یادآوری می نمایم که بند ۳ خواسته های ما کارگران مدت یک سال است که مورد توافق کتبی کارفرمایان قرار گرفته، ولی تا به حال اجرا نشده است.

برای جلوگیری از اجحاف و زور گوئی هر چه بیشتر کارفرمایان میبایست تربیتی داده شود که نرخ آجر تیرتیرت گسردد. کارفرمایان نتوانند آنرا به دلخواه افزایش دهند و هر گونه افزایش میبایست با نظارت و توافق کارگران باشد. هم اکنون آجر هر تن تا ۳۰۰۰ ریال بطور غیر رسمی نیز بفروش میرسد. از آنجا که کارگران هر بهر بهر ایام خمینی در صنف اول مبارزه با امریکا و عوامل سر بر نه آن و سرمایه داران بزرگ بوده و هستیم، باز توجه به شرایط کنونی مملکت، که در حال مبارزه با شیطان بزرگ - امریکا است، برای احقاق حقوق مسلم و ابتدائی خود از طریق مذاکره اقدام کرده و هر گونه اعتصاب و کم کاری را در این شرایط به صلاح ملت و مملکت نمیدانیم. ما از مقامات مسئول مملکت قاطعانه خواستار هستیم که هر چه سریعتر به خواسته های ما رسیدگی نمایند. خاطر نشان میسازیم که کوتاهی در رسیدگی به خواسته های برحق کارگران فقط بنفع ضد انقلاب بوده و ممکن است کار را به اعتصاب و کم کاری بکشاند. ما از طریق مذاکره خواستار دست آوردن حق خود هستیم.

- ۱- غلامعلی علمی ۲- احمد فرخ پور ۳- علی نورزاد ۴- عوض سلطانی ۵- یاسیب عبدلیان

کمونست و این مسلک و آن مسلک فرقی نخواهد گذاشت. باید جهت حفظ مجموعه انقلاب و مقابله با تجاوز احتمالی آمریکا آماده نبرد بود. باید با پیوستن به صفوف بسیج ملی از حکومت و انقلاب اسلامی مسلحانه و جان بر کف دفاع کرد. وظیفه ملی و میهنی و شرعی ما حکم میکند تا در این لحظات حساس تاریخی، که شیطان بزرگ، آمریکا جهت نابودی انقلاب عزم خود را جزم نموده و توطئه هایش هر روز به رنگی جلوه میکند، حمایت شرایط قلبی. در معرض خطر عظیم میسرید خود را از امام خمینی، از امپریالیسم تجاویز کار آمریکا قرار گرفته و امپریالیسم مسموم به سر تکونی این حکومت و ناپودی انقلاب اسلامی ایران است، و چنانچه موفق شود، همه نیروهای انقلابی ایران را با ایجاد یک حکومت فاشیستی همچون حکومت شیلی پناک و خون خورده کشید و بین مذهبی و غیر مذهبی و کمونست و غیر...

فئود و سلطه جویی دشمنان ماهوار میگردد و ملت تهران و هوشیار ایران عاملان این توطئه ها را نخواهند بخشید. وقت کنیم و بهوش باشیم. امام مبارک در برابر شیطان بزرگ امپریالیسم امریکا به وحدت فراخوانده است. بر ماست که با تشکل و یگانگی هر چه بیشتر دعوت امام را لبیک گفته و تفکرها و قلمه ایمان را بسوی امپریالیسم آمریکا نشانانیم و برای امروز و فردا و مردانه قرار بگیرند، راه برای

فردایا بدهد این کمیشن اصلی ما وجهه خلقهای جهان امپریالیسم جهانی، به سردگی شیطان بزرگ آمریکاست. ماضین حفظ وحدت بین شوراهای تعمیرات، عملیات پالایش و متحد، در این مقطع زمانی برای سرکوبی امپریالیسم آمریکا و دولت فاشیستی عراق بار دیگر پشتیبانی همه جانبه خود را از ریاست جمهوری و شورای انقلاب در پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی ایران اعلام میداریم.

باتصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

### در کنار دهقانان بی زمین و کم زمین جنوب زابل

به روستاهای عزیز بامدی، جهان آباد علیا و آزاد رستم که به صورت یک مجتمع روستایی به مساحت ۵۰۰۰ هکتار در ۷۰ کیلومتری از یکدیگر واقع شده اند. روستای بامدی در جنوب شرقی زابل و فاصله ۲۰ کیلومتری از آن قرار گرفته است.

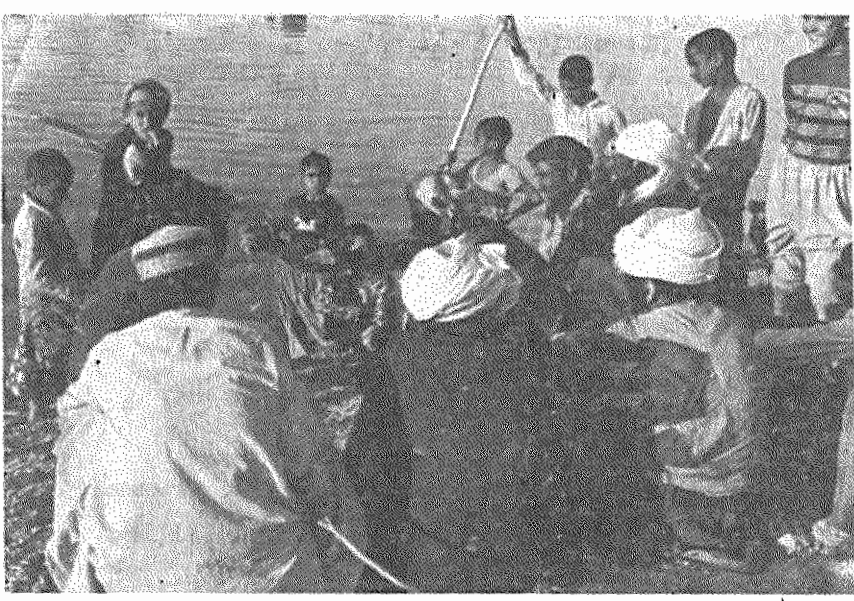
جمعیت روستای بامدی ۳۵ خانوار و در حدود ۳۰۰ نفر است. جویای وضع پیشین و رفاهی شده. دیدیم که روستا حمام، غسالخانه، بهداشت، آب لوله کشی، چاه بهداشتی و برق نداشتند. در اینجا تنها مسجد و یک دبستان ۵ کلاسه با حدود ۱۲۰ دانش آموز دختر و پسر وجود دارد. دانش آموزان راهنمایی سه روستا میبایستی با طی ۳-۴ کیلومتر متر به روستای کارگاه پلک بروند. از شهر جویا شدم و دانستم که در سه روستا مجموعاً یک شورا یا سه عضو اصلی از هر روستا و یک عضو اصلی و یک عضو علی البدل از روستای جهان آباد تشکیل شده است. شورای ده در دبستان کشته به کمک سپاه پاسداران و جهاد سازندگی موتورپیچهای متعلق به سردار حاج جمیع بر احوالی را برفع اهالی مساعد می کند، ولی در اثر سازش روحانی شهرت نام سید محمد تقی حسینی با خوانین

حاج جمیع و حاج حبیب بر احوالی، موتورپیچها بنام بردگان برگشت داده میشود. در اثر یکپویی اهالی سه روستا و شورا، بودجه ساختمان یک تنه از رودخانه، که از نزدیکی میگردد، تامین میشود. که همه اکنون زیر نظر شورا مشغول ساختمان آن هستند.

دیگر کارهای شورای ده عبارت است از تهیه روغن و خواربار برای اهالی، گرفتن پول عیدی دانش آموزان و انجام کارهای تبلیغی دینی.

در باره تولید و نحوه کار متوجه شدم که در روستا، در هر خانواده، تقریباً یک گاو و ۲ گوسفند وجود دارد. بطور کلی صنایع دستی در روستا وجود ندارد. آب مشروب اهالی از تهری که با فاصله ۲ کیلومتر متر قرار دارد، تامین میشود و محصولات عمده روستا گندم و جو و محصولات چالیزی است. با دهقانان بی زمین و کم زمین روستای بامدی آشنا شدم، که چشم براه اجرای قانون هستند.

دهقانان بی زمین، لطیف بامدی، غوث الدین بامدی، نصراله عسکریان، حبیب اله عسکریان، عبدالعزیز عسکریان، بنی عسکریان، محمد بامدی، عبدالرحمان بامدی، نور بامدی، نور احمد گله بچه، حسن جهان تیغ و صفی بامدی.



دهقانان زابلی در کنار دریاچه هامون

است. میگوید، «چون نمیتوانم متخارج زندگی را از این مقدار زمین تامین کنم، مجبورم که برای کار به دیگر شهرها بروم و پدیدار مدتی برای گذران خانواده به روستا برگردم.» در طول مدتیکه بهضویت شورا

دهقانان کم زمین، گلزار بامدی ۳۵ هکتار، مومن بامدی ۳۵ هکتار، الحاق بامدی ۱۵ هکتار، منظور بامدی ۳۵ هکتار (متعلق به خواهر و ۳ برادر) زینل بامدی ۱۵ هکتار، شیرعلی بامدی ۳۵ هکتار، ابراهیم عزیز بامدی ۳۵ هکتار، ملنگ بامدی ۱۵ هکتار، مقصود بامدی ۱۵ هکتار، خان آقا بامدی ۳۵ هکتار حاج نظر بامدی ۱۵ هکتار، داد خدا بامدی ۴ هکتار، مسافر بامدی ۴ هکتار، شیرعلی جهان تیغ ۱۵ هکتار، تاج محمد جهان تیغ ۱۵ هکتار، خان محمد حبیبی زهی ۱۵ هکتار، رسول بامدی ۸ هکتار، یعقوب عسکریان ۲ هکتار، ماهجان بامدی ۱۵ هکتار، حاجی ملا احمد بامدی ۱۵ هکتار، حاج خدا داد دورانی ۱۵ هکتار، غلامعلی جهان تیغ ۷۵ هکتار، مبین بامدی ۱۵ هکتار، ورقه بامدی ۸ هکتار، انورعبسی زهی ۱۵ هکتار و کدخدا حاجی بامدی ۲۵ هکتار.

## هر خوشه ای که در پر تو آفتاب انقلاب بدست دهقان و در زمین دهقان می روید، ضربه ای است بر پیکر امپریالیسم و وابستگان آن

داران بزرگ و بقایای فئودالیسم باید سرما وی تزلزل بیاخت. در روستاهای استان کرمانشاه نیز مثل مسئله زمین، اساسی ترین و مهم ترین وظیفه انقلابی است. با حل این مشکل، جنبه مقاومت در برابر امپریالیسم با شرکت توده های عظیم دهقانی گسترده و بتوان میگرد. وضع روستاهای زیرین نمونه هائی از ضرورت اجرای سریع وی میگرد. قانون اصلاحات ارضی را در جهت واگذاری زمین به دهقانان تهیدست و الفای کمل اصل بزرگ مالکی ارائه میدهند.

روستائیان بی زمین و کم زمین به اجرا درآید. روستائیان زحمتکش بیمیانه در انتظار احاد حقوق از دست رفته خود هستند. همما شاهدیم که امپریالیسم جهانخوار آمریکا، بکمک متصدان خود و ایادی داخلی اش، تمام کوشش و قدرت خود را برای نابودی انقلاب بکار میگیرد و توطئه های بیایی بدین منظور سازمان میدهد.

حفظ دستاوردهای واقفاً موجود انقلاب و وظیفه تمام نیروهای راستین انقلاب و دشمنان پیکسیر امپریالیسم آمریکاست. برای حفاظت از انقلاب باید در نابودی دشمنان آن درنگ نکرد. امروز در اقتصاد کشاورزی و جامعه روستائی ما دشمن انقلاب، زمینداران بزرگ هستند، که برای حفظ نظام پوسیده گذشته، و ادامه استثمار رستم به وسیله و بهانه ای متوسل میشوند و علیه انقلاب کمین کرده اند. لحظاتی که آنهاست و برای طرف کمال هم پیوندان امپریالیسم، یعنی زمین

که اکثریت اهالی در آن شرکت داشتند، با شاره الله اکبر، سوی زمین بزرگ مالک ده حرکت و زمینها را تصرف کردند و آنرا بین خود تقسیم نمودند. مقدار زمینی را که روستائیان تقسیم کرده اند، با توجه به گفته خود اهالی، صد و بیست هکتار است. ساز همین روستائیان در تاریخ ۵۹/۱/۲۵، با تناسلی از امام خمینی و شماره الله اکبر، به طرف زمینهای بزرگ مالکی دیگر، حرکت افتادند و زمینهای او را بین خود تقسیم کردند.

این تشکل، بلافاصله با توسل به حیل و تزویر سعی در انحلال شورا کرد. مالک بزرگ به بهانه اینکه «کمیونتها» بهده آمده اند (۱) میکوشید تا در صفوف دهقانان مضموم و آگاه نفوذ کند و آنان را به تفرقه و تفاق وادارد. مالک بزرگ بعد از تحریک و شایعه پراکنی، پاسگاه ژاندارمری کورزان را برای سرکوبی شورا به محل آورد و ژاندارمها، درست مانند زمان طاغوت، روستائیان زحمتکش را به زندان و حبس تهدید کردند و بعد از ایجاد محیط ترس و وحشت و خفقان روستا را ترک نمودند.

این واقعت نشان میدهد که با کمال تأسف هنوز هم در نیروهای انتظامی کشور، که باید وفادار به هدفهای انقلاب و توده های مردمی که انقلاب کرده اند، باشند، و در راستای انقلاب کام بردارند، عناصری وجود دارند که کماکان در قالب اجرائی طاغوت، یعنی سرکوبی زحمتکش عمل میکنند. باید با پاکسازی هر چه وسعت نیروهای انتظامی از جمله ژاندارمری از عناصر وابسته به دستگاه پوسیده گذشته و تحت نفوذ زمینداران بزرگ، این سازمانها را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب تجهیز کرد.

فالی در این زمینه داشته باشند. از کمیته ها میتوانند بجا آید همتایان باشند. تشکل آینده اتحادیه های دهقانی باشد. دهقانان باید سرمایه مشکل شوند جلوی خرابکاری و اخلاص را بگیرند آماده اجرای قانون واگذاری زمین شوند و بخواهند که بدون تاخیر و بد آنکه اصل الفای بزرگ مالکی تحر شود یا استثنائاتی بمیان آید و حق دهقانان بی زمین و کم زمین شایع این قانون اجرا گردد.

امور تولیدی و عمرانی و رفاهی روستاها داشته باشند و برای اجرای قانون واگذاری زمین نیز بسیار معین است. متأسفانه هنوز تشکل نشده است. این نقصان باید هر چه سریعتر با کمک نهادهای انقلابی، نظیر جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و نیز تشکیلات انقلابی و خوش نام محلی برطرف شود. دهقانان تهیدست، با تشکیل کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین، وظیفه آن قطع کمک به اجرای قانون و رساندن زمین به دهقانان است، میتوانند خود نقش زمین

در این نمونه ها مشاهده شده که گروهی از دهقانان برای احقاق حقوق از دست رفته خود و با امید به تحول در زندگی و کار خود، به مراجع دولتی برای دریافت زمین و سایر نیازهای تولید مراجعه کرده اند. و گروهی دیگر از دهقانان نیز به پیروی از فرمان امام، زمینها را کشت کرده اند. به حکم نیازهای انقلاب ریشه غاصبانه و استثمارگران در این نقاط قطع شده و زمین، که حق دهقانان است، به آنان واگذار شده است.

استان کرمانشاه، نظیر دیگر استانهای کشور، در راهی که در زمین مخصوص بهیولی سایه خود را بر اقتصاد کشاورزی ماور زندگی زحمتکشان کشور ما افکنده بود. مبدل به صحنه نمایش چپاولگریهای پایگاه اجتماعی امپریالیسم، یعنی زمینداران و سرمایه داران وابسته بزرگ گردید. در این سالها حقوق سدها هزار نفر از زحمتکشان روستاها پایمال شد و هزار خانوادۀ روستائی آوار شدند. تمامی این مصائب به در کت، سیستمی به توده مردم تحمیل میشد که در یک قطب آن زمینداران بزرگ، و یا بیامرتی هم پیوندان امپریالیسم، و در قطب دیگر آن سدها هزار روستائیان بی پناه ورنه دیده قرار داشتند. در این سالیان سپاه



خداداد مقصدی - دهقانی از روستای لعل آباد، ماهیدشت کرمانشاه

## هشدار!

فصل برداشت محصول نزدیک است. ضد انقلاب برای تضعیف انقلاب و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. خطر سوزاندن خرمنها توسط عناصر خود فروخته ضد انقلاب وجود دارد. خطر فاسد شدن محصول به علت نداشتن وسیله درو و جمع آوری وجود دارد. خطر پیدار رفتن محصول در نتیجه نخردن آن به قیمت عادلانه وجود دارد. خطر تحریک و تفاق افکنی و دعوا راه انداختن، که محصول را بباد میدهد، وجود دارد.

- باید نیروهای انتظامی و نهادهای انقلابی را برای مراقبت از خرمنها بسیج کرد.
- تا وقت باقی است، باید ماشین درو و لوازم مورد نیاز برداشت را تهیه کرد و به قیمت نازل یا مجانی در اختیار دهقانان قرار داد و انبارها را آماده و ضد عفونی کرد.
- باید قیمت عادلانه خرید محصول دهقانان را از جانب موسسات دولتی تضمین کرد.
- مؤقتیت هر چه بیشتر در برداشت محصول، بسود خود دهقانان و بسود مصرف کنندگان شهری است، تحکیم کننده اقتصاد کشاورزی و موفقیتی است برای انقلاب ما.

### دهقانان

از خرمنها محافظت کنید، جلوی خرابکاران و افراد مشکوک را بگیرید. با پرهیز از تفاق، با هشیاری، متحداً از محصول، که دسترنج شماست، دفاع کنید. محصول مال شماست، کشور ما بآن احتیاج حیاتی دارد. آنرا حفظ کنید.





